



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی

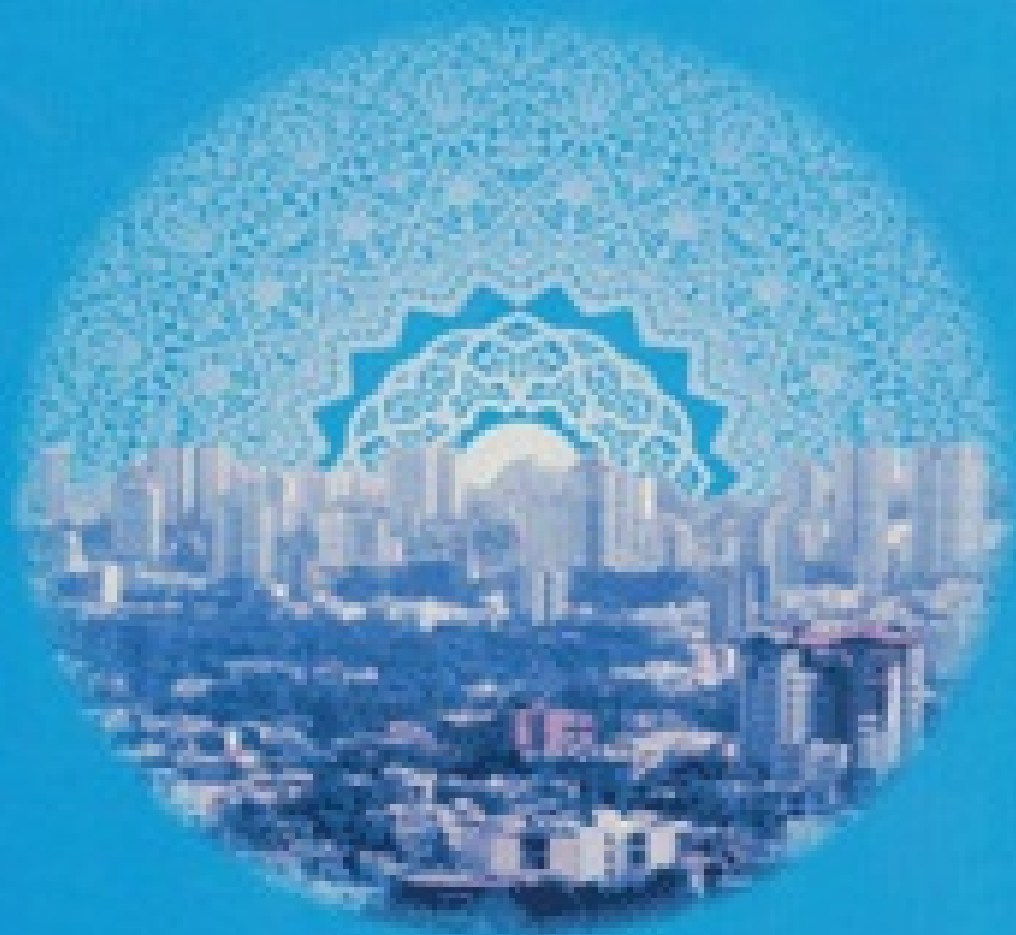


عمر الکرما
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

حدیث زندگی

چهل حدیث کاربردی در سبک زندگی اسلامی



هیأت تحریریه مؤسسه در راه حق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حدیث زندگی: چهل حدیث کاربردی اعتقادی در سبک زندگی اسلامی

نویسنده:

هیئت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر چاپی:

موسسه در راه حق

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	حدیث زندگی: چهل حدیث کاربردی اعتقادی در سبک زندگی اسلامی
۱۱	مشخصات کتاب
۱۲	اشاره
۱۶	فهرست مطالب
۲۰	سخن ناشر
۲۲	مقدمه
۲۳	مقدمه
۲۵	حدیث ۱
۲۵	خانواده برترین سرمایه
۲۶	نکات:
۲۷	حدیث ۲
۲۷	زندگی و بندگی
۲۸	نکات:
۲۹	حدیث ۳
۲۹	پاک دامنی؛ اساس ایمان
۳۰	نکات:
۳۱	حدیث ۴
۳۱	محبت به خدای عزوجل متن زندگی
۳۲	نکات:
۳۳	حدیث ۵
۳۳	قرآن، تراز حرکت در جاده
۳۴	نکات
۳۵	حدیث ۶

- ۳۵ یاد اهل بیت علیهم السلام همیشه و همه جا
- ۳۶ نکات:
- ۳۷ حدیث ۷
- ۳۷ عقیده به امام علیه السلام ، آفتاب زندگی
- ۳۸ نکات:
- ۳۹ حدیث ۸
- ۳۹ بندگی و دشمن ستیزی
- ۴۰ نکات
- ۴۱ حدیث ۹
- ۴۱ بهشت زندگی بر مدار شکر
- ۴۲ نکات:
- ۴۳ حدیث ۱۰
- ۴۳ راه حفظ ثروت
- ۴۴ نکات
- ۴۵ حدیث ۱۱
- ۴۵ عزت سحرخیزی
- ۴۶ نکات
- ۴۷ حدیث ۱۲
- ۴۷ حرکت از خانه با دعا
- ۴۸ نکات:
- ۴۹ حدیث ۱۳
- ۴۹ تن درست پروری
- ۵۰ نکات
- ۵۱ حدیث ۱۴
- ۵۱ بازنشستگی هرگز
- ۵۲ نکات:

- حدیث ۱۵ - ۵۳
- ثروت ستودنی - ۵۳
- نکات: ۵۴
- حدیث ۱۶ - ۵۵
- پذیرش تقدیر بهترین تدبیر - ۵۵
- نکات: ۵۶
- حدیث ۱۷ - ۵۷
- حفظ سرمایه - ۵۷
- نکات - ۵۸
- حدیث ۱۸ - ۵۹
- مؤمن در اقتصاد هم باهوش است - ۵۹
- نکات ۶۰
- حدیث ۱۹ - ۶۱
- عزت سرمایه بی پایان مؤمن ۶۱
- نکات: ۶۲
- حدیث ۲۰ - ۶۳
- نماز با جماعت ۶۳
- نکات: ۶۴
- حدیث ۲۱ - ۶۵
- سفره داری و یاد آوری ۶۵
- نکات ۶۶
- حدیث ۲۲ - ۶۷
- زیبا سفره داری ۶۷
- نکات: ۶۸
- حدیث ۲۳ - ۶۹
- آداب سفره غذای حلال و طیب ۶۹

- نکات ----- ۷۰
- حدیث ۲۴ ----- ۷۱
- تناسب غذا و فرهنگ ----- ۷۱
- نکات: ----- ۷۲
- حدیث ۲۵ ----- ۷۳
- درمان با غذای پاک ----- ۷۳
- نکات ----- ۷۴
- حدیث ۲۶ ----- ۷۵
- دور نریختن حتی یک کنگد ----- ۷۵
- نکات ----- ۷۶
- حدیث ۲۷ ----- ۷۷
- نشاط و معاشرت ----- ۷۷
- نکات ----- ۷۸
- حدیث ۲۸ ----- ۷۹
- مدرسه رفاقت ----- ۷۹
- نکات: ----- ۸۰
- حدیث ۲۹ ----- ۸۱
- اخلاق خوب گویا همه چیز است ----- ۸۱
- نکات ----- ۸۲
- حدیث ۳۰ ----- ۸۳
- آشنای دیرین ----- ۸۳
- نکات ----- ۸۴
- حدیث ۳۱ ----- ۸۵
- امر به معروف حدود آن ----- ۸۵
- نکات ----- ۸۶
- حدیث ۳۲ ----- ۸۷

- ۸۷ ----- آغاز امر به معروف از خانه
- ۸۸ ----- نکات
- ۸۹ ----- حدیث ۳۳
- ۸۹ ----- درست گفتن و شنیدن
- ۹۰ ----- نکات:
- ۹۱ ----- حدیث ۳۴
- ۹۱ ----- معاشرت با بیگانگان
- ۹۲ ----- نکات
- ۹۳ ----- حدیث ۳۵
- ۹۳ ----- برخورد با بدهکار
- ۹۴ ----- نکات:
- ۹۵ ----- حدیث ۳۶
- ۹۵ ----- آبرو سپاری کارگشایی
- ۹۶ ----- نکات:
- ۹۷ ----- حدیث ۳۷
- ۹۷ ----- برطرف کردن مشکلات مسلمین
- ۹۸ ----- نکات:
- ۹۹ ----- حدیث ۳۸
- ۹۹ ----- محبوب ترین انسان ها
- ۱۰۰ ----- نکات:
- ۱۰۱ ----- حدیث ۳۹
- ۱۰۱ ----- توحید و نقش دیگران
- ۱۰۲ ----- نکات:
- ۱۰۳ ----- حدیث ۴۰
- ۱۰۳ ----- دعای عاقبت به خیری
- ۱۰۴ ----- نکات:

۱۰۵ ----- آشنایی با موسسه در راه حق

۱۰۹ ----- درباره مرکز

حدیث زندگی: چهل حدیث کاربردی اعتقادی در سبک زندگی اسلامی

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: حدیث زندگی: چهل حدیث کاربردی اعتقادی در سبک زندگی اسلامی

مشخصات نشر: قم: موسسه در راه حق 1394.

مشخصات ظاهری: 91 ص.

وضعیت فهرست نویسی: فیپای مختصر

یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است

شناسه افزوده: موسسه در راه حق

شماره کتاب شناسی ملی: 3876389

شابک: 978-600-5515-26-8

شناسنامه

نام کتاب: حدیث زندگی

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: اول / 1394

چاپ خانه: سلمان فارسی

قیمت: 4000 تومان

نشانی قم / خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم) کوچه 20 پلاک 10

تلفن: 025 - 37743221 -2

www.darrahehaq.com

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم مریم محققیان

ص: 1

اشاره

حدیث زندگی

چهل حدیث کاربردی اعتقادی در سبک زندگی اسلامی

هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ص: 3

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 4

فهرست مطالب

سخن ناشر...7

مقدمه...10

خانواده برترین سرمایه...12

زندگی و بندگی...14

پاک دامنی؛ اساس ایمان...16

محبت به خدای عزوجل متن زندگی...18

قرآن، تراز حرکت در جاده...20

یاد اهل بیت علیهم السلام همیشه و همه جا...22

عقیده به امام علیه السلام، آفتاب زندگی...24

بندگی و دشمن شناسی...26

بهشت، زندگی بر مدار شکر...28

راه حفظ ثروت...30

عزت سحر خیزی...32

حرکت از خانه با دعا...34

تن درست پروری...36

بازنشستگی هرگز...38

ثروت ستودنی...40

پذیرش تقدیر بهترین تدبیر...42

حفظ سرمایه...44

مؤمن در اقتصاد هم باهوش است...46

عزت سرمایه بی پایان مؤمن...48

ص: 5

- 50... نماز با جماعت
- 52... سفره داری و یادآوری
- 54... زیبا سفره داری
- 56... آداب سفره، غذای حلال و طیب
- 58... تناسب غذا و فرهنگ
- 60... درمان با غذای پاک
- 62... دور نریختن حتی یک کنجد
- 64... نشاط و معاشرت
- 66... مدرسه رفاقت
- 68... اخلاق خوب گویا همه چیز است
- 70... آشنای دیرین
- 72... امر به معروف، حدود آن
- 74... آغاز امر به معروف از خانه
- 76... درست گفتن و شنیدن
- 78... معاشرت با بیگانگان
- 80... برخورد با بدهکار
- 82... آبرو سپاری، کارگشایی
- 84... برطرف کردن مشکلات مسلمین
- 86... محبوب ترین انسان ها
- 88... توحید و نقش دیگران
- 90... دعای عاقبت به خیری

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خاندان مطهرش علیهم السلام امیران سخن اند و جوشش کلام از لبان گوهر بار آنان چون پرتوهای نور از چشمه ی خورشید است. آن ها بر خلافت دیگران، دانش را از منبع بی پایان ربوبی دریافت کرده و خداوند، علم را بر قلب شان ساری و بر زبانشان جاری ساخته است. بیان آن ذوات مقدّس، نزد مسلمانان به «حدیث» یا «روایت» شناخته می شود

«چهل حدیث» بطور خاص و «عدد چهل» به طور کلی، بر اساس آیات شریف قرآن و روایات معصومین علیهم السلام در فرهنگ اسلامی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. در فرمایشی گران قدر، رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

(مَنْ حَفِظَ عَلَيَّ أَرْبَعِينَ حَدِيثًا مِنْ السُّنَّةِ كُنْتُ لَهُ شَفِيعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ) (1)

هر کس برای امتم چهل حدیث از سنت حفظ کند، من در قیامت از او شفاعت خواهم کرد.

و نیز از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

(مَنْ حَفِظَ عَنِّي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا مِنْ أَحَادِيثِنَا فِي الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمِنْهَا عَالِمًا وَلَمْ يُعَذِّبْهُ) (2)

ص: 7

1- وسائل الشیعه، جلد 27 صفحه 94 .

2- بحار الانوار، ج 3، ص 154 .

هر کس از من چهل حدیث از احادیث ما را در حلال و حرام حفظ کند، خداوند او را در قیامت فقیه و عالم محشور می کند و معذّبش نخواهد فرمود

اهمیت مورد اشاره دلیل اصلی تدوین و نشر ده ها کتاب با عنوان «چهل حدیث» است.

مؤسسه در راه حق، بر مبنای این سنت ارزشمند و در راستای رسالت خود با هدف تشویق جامعه مخاطب به فراگیری و کار بست کلام و روایات نورانی حضرات معصومین علیهم السلام کتاب چهل حدیث حاضر را تدوین و به زیور طبع آراسته است. ویژگی مهم این کتاب توجه به نیاز های روزانه هر انسان مسلمان است.

بدون تردید نظرات اصلاحی خوانندگان محترم کیفیت چاپ ها و کتاب های بعدی را ارتقاء خواهد داد

از خداوند متعال می خواهیم توفیق توجه و عمل به تمام دستورات الهی و آن چه در این کتاب آمده را به همه ی ما عنایت فرماید.

مؤسسه در راه حق

ص: 8

سخن اهل بیت علیهم السلام نور است و زندگی ما را نورانی می کند. بنابراین یادگیری و عمل به احادیث باید از برنامه های یک مسلمان باشد. از موضوعات ساده تا مهم ترین نیازها و مسائل دنیوی و اخروی در کلمات ایشان بیان شده است

در این مجموعه سعی داریم از دریای احادیث برای بیست و چهار ساعت زندگی گوهرهایی را صید کنیم موضوع این احادیث در پنج فصل ذیل قابل دسته بندی است:

1- پایه های اساسی دین و دینداری

2- کار و تلاش و سرمایه

3- آداب غذا خوردن

4- معاشرت و ارتباط

5- مشکلات زندگی و راه حل ها

ابتدا شماره، عنوان و متن حدیث با ترجمه می آید و سپس نکاتی مرتبط با آن مطرح می شود. ترتیب احادیث به این شکل است که نیازهای طبیعی روزانه مد نظر قرار گرفته و عناوین دیگر با رعایت مناسبت در لابلای آنها گنجانده شده است.

در این مجموعه بخشی از پدیده‌ها، نیازها و کارهای روزانه ارائه و تبیین شده است و منظور از آن تأکید بر این است که باید در امور زندگی و رفتار هایمان طبق راهنمایی دین حرکت کنیم و جریان عقاید و ارزش‌ها را در زندگی روزمره خود پررنگ کنیم و برای کارهایمان دلیل خدا پسند داشته باشیم.

از خدای متعال توفیق طلب می‌کنیم که در این مسیر به نتیجه مطلوب نائل شویم و با تدبّر در سخنان معصومین علیهم السلام برای همه کارها و در همه اتفاقات و برنامه‌های زندگی از آموزه‌ها و روش آن حضرات سرمشق بگیریم.

ص: 11

(عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ هَلْ لَكَ مِنْ زَوْجَةٍ فَقَالَ لَا فَقَالَ أَبِي وَ مَا أَحِبُّ أَنْ لِي الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا وَ أَنِّي بَيْتٌ لَيْدَةٌ وَ لَيْسَتْ لِي زَوْجَةٌ ثُمَّ قَالَ الرَّكْعَتَانِ يُصَلِّيَهُمَا رَجُلٌ مُتَزَوِّجٌ أَفْضَلُ مِنْ رَجُلٍ أَعَزَبَ يَقُومُ لَيْلَهُ وَ يَصُومُ نَهَارَهُ ثُمَّ أَعْطَاهُ أَبِي سَبْعَةَ دِينَئِيرٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ تَزَوِّجْ بِهِذِهِ ثُمَّ قَالَ أَبِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ اتَّخَذُوا الْأَهْلَ فَإِنَّهُ أَرْزُقَ لَكُمْ (1)

امام صادق علیه السلام نقل کردند؛ کسی به نزد پدرم آمد پدرم از او پرسید همسر داری؟ عرض کرد: نه. پدرم به او فرمود: دوست ندارم که دنیا و هر چه در آن است برای من باشد (ولی) یک شب بر من بگذرد که همسری نداشته باشم؛ و ادامه دادند پدرم فرمود: دو رکعت نماز متأهل برتر از شب زنده داری شب و روزه روز مجرد است.

سپس هفت دینار به او دادند و فرمودند: با این ازدواج کن. (در ادامه) بیان فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خانواده بگیرد پس همانا آن برای شما روزی آورتر است.

ص: 12

1- خانواده ثروت افزا ترین کانون مادی و معنوی است؛

2- از بلا های روزگار ما غل و زنجیر رسوم غلط بر جان زندگی اجتماعی است که به سنت ارزشمند ازدواج نیز به شدت آسیب وارد کرده است راه نجات آن است که با تجدید نظر در این رسوم و یافتن جایگزین درست و آداب پسندیده کار آبی سنت های الهی به ویژه ازدواج را شاهد باشیم؛

3- بر خلاف پندار غلط برخی، ازدواج مشروط به ثروت نیست بلکه طبق آیات و روایات و وعده روشن و تخلف ناپذیر الهی ثروت و روزی با برکت منوط و مسبوق به ازدواج است؛

4- اساساً ازدواج عامل تداوم انسان است و همه ثروت و دارایی ما برای استمرار داشتن ماست نمی توان برای نیستی، هستی را فدا کرد و این نکته ای است که امام علیه السلام در نهایت شیوایی آن را رساندند، تمام ثروت دنیا برای ما باشد ولی یک شب زندگی بدون همسر ارزش ندارد؛

5- کسانی که بسیار تنگ نظرانه به ازدواج می نگرند باید با تدبّر در عمق این سخن دریابند که ازدواج سرمایه ای بی نظیر است که یک شبش برتری بر تمام سرمایه های دنیا دارد و این حقیقت بسیار فراتر از اطفاء غریزه و روز مرگی است؛

6- ازدواج بنایی مستحکم است که اگر به درستی پایه گذاری شود هر خوبی (دنیایی و آخرتی) که در تصور آید، از نتایج آن خواهد بود.

(عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِذَا قُمْتَ بِاللَّيْلِ مِنْ مَنَامِكَ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي لِأَحْمَدِهِ وَأَعْبَدَهُ.) (1)

امام باقر علیه السلام در ضمن روایت مفصلی درباره ی بیدار شدن از خواب برای عبادت فرمودند: وقتی از رختخواب بلند می شوی بگو:
(الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي لِأَحْمَدِهِ وَأَعْبَدَهُ)؛

خدای را سپاس که روحم را به من بازگرداند تا او را سپاس گزارم و او را عبادت کنم

ص: 14

- 1- از اولین کار های انسان بعد از بیدار شدن از خواب توجه به نعمت زندگی است فرصت طلایی که خدای مَنَّان به ما عطا کرده است؛
- 2- شکر نعمت زندگی، درست زندگی - کردن و درست بندگی کردن است؛
- 3- زبان هم به سهم خود باید این شکرانه را ادا کند؛ خدای را شکر که دوباره مرا فرصت کسب توشه داد؛
- 4- از همه کس شایسته تر برای تشکر، خدای مهربان است و البته هر صاحب نعمتی تشکر از او بایسته است؛
- 5- بندگی نکردن عِلّت می خواهد نه بندگی کردن. همان طور که دانش آموز برای درس نخواندن و کارگر کارخانه برای کار نکردن عذر تراشی می کند نه برای درس خواندن و کار کردن؛
- 6- هدف زندگی بندگی است و این بندگی هم نماز دارد هم کسب روزی حلال و هم رسیدگی به حال نیازمندان.

پاک دامنی؛ اساس ایمان

(الْفَضَائِلُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ وَجَدَ بَرْدَ حُبْنَا فِي كَبِدِهِ فَلْيُحَمِّدِ اللَّهَ عَلَى أَوْلِ النَّعَمِ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا أَوْلُ النَّعَمِ قَالَ طَيْبُ الْوِلَادَةِ.) (1)

فضیل می گوید امام صادق علیه السلام فرمودند: هر که خنکای محبت ما را بر جگرش احساس کند پس بر اوست که خدا را بر اولین نعمت سپاس گوید.

فضیل در ادامه می گوید: پرسیدم: اولین نعمت کدام است فدایت شوم؟ فرمودند: پاکیزگی ولادت

ص: 16

1- دو موضوع در خوب شدن و خوب ماندن انسان تأثیر غیر قابل انکار دارد حلال زادگی و لقمه حلال، لذا بسیار سفارش شده به اموری که این دو را تضمین کند پرهیز از نگاه و روابط حرام و دیگر مقدمات باعث حفظ ایمان در نسل انسان می شود و لقمه حلال همین نقش را در صالح شدن دارد؛

2- بنابراین انسان به پدر و مادر خود بسیار بیش از آن چه تصور می کند بدهکار است پدر و مادری که نه فقط با صرف عمرشان و تربیت شان درباره ی فرزندان و سرمایه هایی که برایشان هزینه کردند بلکه با پاکی و پاکدامنی خود محبت خدای متعال و عشق به اهل بیت علیهم السلام را در سرشتشان جاودانه کردند؛

3- شکر همه نعمت ها آن ها را حفظ می کند و باید نعمت های بسیار بزرگ، مثل پاک زادگی، را هم پاس بداریم و هم سپاس بگزاریم

محبت به خدای عزوجل متن زندگی

(قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ... فَإِنَّ حُبَّ اللَّهِ إِذَا وَرِثَهُ الْقَلْبُ وَاسْتَبْصَأَ بِهِ أَسْرَعَ إِلَيْهِ اللَّطْفُ... قَالَ أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَبَعْدَهُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَبَعْدَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَبَعْدَهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرُ ثُمَّ أَنَا وَبَعْدِي مُوسَى وَوَلَدِي وَبَعْدَ مُوسَى عَلِيُّ ابْنُهُ وَبَعْدَ عَلِيٍّ مُحَمَّدُ ابْنُهُ وَبَعْدَ مُحَمَّدٍ عَلِيُّ ابْنُهُ وَبَعْدَ عَلِيٍّ الْحَسَنُ ابْنُهُ وَبَعْدَ الْحَسَنِ الْحُجَّةُ اصْطَفَانَا اللَّهُ وَطَهَّرَنَا وَآتَانَا مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ.) (1)

امام صادق علیه السلام فرمودند: صاحبان اندیشه (اولوالالباب) کسانی اند که فکر خود را به کار می گیرند تا از آن به محبت خدا برسند که وقتی ارث محبت خدا به دل برسد دل نورانی می شود و لطف (الهی) به سرعت به سوی او جاری می گردد... ای یونس اگر علم درست می خواهی نزد ما اهل بیت است پس به یقین به ما شرع حکمت و فصل خطاب به ارث رسیده و عطا شده است ... آن را کسی جز امامان دوازده گانه ارث نبرده است... اولین آن ها علی بن ابی طالب و بعد از او حسن و حسین اند و بعد از او علی بن الحسین و محمد بن علی سپس من و بعد از من موسی فرزندم و بعد از موسی علی پسرش و بعد از علی محمد و بعد از محمد بعد از محمد علی ، و بعد از علی حسن و بعد از حسن حجت است. خدا ما را برگزیده و مطهر گردانیده است و به ما چیز هایی داده شده است که به هیچ یک از جهانیان داده نشده است.

ص: 18

1- کفایة الاثر، علی بن محمد خزاز قمی، از محدثان قرن چهارم، صفحه 255.

1- یکی از نیازها و موضوعات مهم زندگی تفکر است ولی مهم تر این است که این تفکر انسان را به نتیجه درست، که محبت ناب به خدای تعالی است برساند؛

2- خدای متعال برای رشد دینی و فرهیختگی ما قرآن و عترت را قرار داده است. باید توجه شود که تفکر در معانی آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام محبت خدا را در ما شعله ور نگاه دارد که اگر از فطرت بجوشد و حقیقت داشته باشد چنین خواهد بود؛

3- در تمام روزگار و همه پهنه گیتی کسی مانند امامان معصوم علیهم السلام نیست. انسان های عاقل و منصف و پیروان رهبران الهی هیچ گاه ادعای امامت نداشته اند و مدعیان دروغین امامت نه عاقل و منصف بوده اند و نه ادعای علوم و قدرت امامان ما را داشته اند و تنها هنرشان به انحطاط بردن مفهوم امامت و فریفتن مردم بوده است؛

4- مناسب است مؤمن در هر شبانه روز وقتی قرار دهد، بعد از نمازها و مانند آن و نام دوازده امام علیهم السلام را ببرد و بر آن ها درود بفرستد و به طور ویژه با امام زمان علیه السلام در قالب دعا و توسل انس داشته باشد.

قرآن، تراز حرکت در جاده

(عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى خَلْقِهِ فَقَدْ يَنْبَغِي لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَهْدِهِ وَأَنْ يقرأ مِنْهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسِينَ آيَةً) (1)

امام صادق علیه السلام فرمود: قرآن پیمان نامه ی خدا به سوی آفریدگانش است. پس برای مرد مسلمان شایسته است که در پیمان نامه او بنگرد و این که از آن در هر روز پنجاه آیه بخواند.

ص: 20

1- خواندن قرآن طراوتی به ما می دهد که دیگر بهره مندی ها این تر و تازگی را ندارد؛

2- قرآن را باید به مقداری که بتوان هر روز خواند تقسیم بندی کرد، آن چه در این روایت شریف سفارش شده است آسان و قابل انجام است و باید از اُنس هر روزه هر چند کم و کوتاه بهره برد؛

3- انسان وقتی قرآن را تلاوت می کند احساس می کند خطاب های الهی به او متوجه می شود و نیز احساس معاصرت و همراهی با رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام و امامان معصوم علیهم السلام می کند تلاوت قرآن باعث نشاط و طراوت دین داری ماست و کهنگی و افسردگی و خمودی را که از مشکلات روزگار ماست از بین می برد.

ص: 21

یاد اهل بیت علیهم السلام همیشه و همه جا

(أبي حمزة الثمالي قال سمعتُ أبا جعفرٍ يقولُ دعا رسولُ الله صلى الله عليه وآله بطهورٍ فلَمَّا فرغَ أخذَ بيدِ عليٍّ عليه السلام فألزمَها يدهُ ثم قالَ إنما أنتَ مُنذرٌ ثم ضمَّ يدهُ إلى صدرِهِ وقالَ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ أَصْلُ السِّدِّينِ وَ مَنَارُ الْإِيمَانِ وَ غَايَةُ الْهُدَى وَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ أَشْهَدُ لَكَ بِذَلِكَ. (1))

امام باقر علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله آبی برای وضو طلبیدند وقتی وضو را تمام کردند دست علی علیه السلام را گرفتند و روی دست خود نگاه داشتند سپس این فراز قرآنی را تلاوت کردند: (إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ)؛ همانا تو بیم دهنده ای. سپس دست او را روی سینه خود نهادند تلاوت را ادامه دادند: (وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ)؛ و برای هر گروهی هدایت گری است سپس فرمودند: ای علی تو ریشه دین و چراغ ایمان و سرانجام هدایت و رهبر نور پیشانی من به این نکته برای تو گواهی می دهم.

ص: 22

1- امامان دوازده گانه عليهم السلام و در رأس آنها امير مؤمنان عليه السلام از اصول دين داری ما هستند همان گونه که امامت از اصول دين است بنابراین نام و یاد حضرت علی عليه السلام به اندازه ای باید باشد که شایسته اصول است؛

2- ممکن است برخی از اصول مثل عقیده به ولایت امير مؤمنان عليه السلام به عمد یا سهو مورد غفلت قرار گیرد به جاست که تذکر و تکرار آن از سوی مؤمنان جبران این کوتاهی ها را بنماید. می بینیم که هدایت های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هر دو نکته را تأیید می کند این سخن می تواند پاسخی هم به کسانی باشد که گمان می کنند ما دیگر امور و اصول را ارج نمی نهیم. در حالی که ما به سنت و روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره تأسی کرده ایم؛

3- یاد اهل بیت عليهم السلام همواره باعث طراوت زندگی است. چقدر زیباست وقتی انسان در خانه و کوچه و خیابان نام و یاد امامان را می بیند و می شود و چه زیباتر آن که در گفتگو های روزمره از عنایات خدا به ایشان و از عنایات ایشان به خود سخن بگوییم مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که از هر زمان و فرصتی برای ابراز محبت به امير مؤمنان عليه السلام استفاده می کردند

عقیده به امام علیه السلام ، آفتاب زندگی

(عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: النُّورُ وَاللَّهِ الْأَيْمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ يَا أَبَا خَالِدٍ لَنُورُ الْإِمَامِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ أَنْوَرُ مِنَ الشَّمْسِ الْمُضِيئَةِ بِالنَّهَارِ وَ هُمُ الَّذِينَ يُنَوِّرُونَ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ.) (1)

ابو خالد از امام باقر علیه السلام درباره آیه مبارکه (فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا) پس به خدا و رسولش و نوری که پایین فرستادیم ایمان بیاورید؛ پرسیدم؛ فرمود: ای ابو خالد! به خدا قسم نور (در آیه) امامان علیهم السلام هستند ای ابو خالد! نور امام در قلوب مؤمنان از خورشید درخشان در روز روشن تر است و آن هاینکه که قلوب مؤمنان را روشن می کنند.

ص: 24

- 1- ما باید در زندگی به عقاید خود ببالیم و دقت کنیم هر چه از کارهای خیر که انجام می دهیم در اثر هدایت اولیای الهی است؛
- 2- ما بدون پشتوانه و بی پناه در این میدان زندگی رها نشده ایم، اگر توجه کنیم آرامش خوبی بر فضای زندگی ما حاکم می شود که با هیچ آرامش مادی قابل قیاس نیست؛
- 3- نکته مهم این است که پیوسته خود را در معرض تابش نور زندگی امام هر زمان علیه السلام، قرار بدهیم؛
- 4- افت و خیزهای زندگی جای نگرانی ندارد، زیرا امامان ما که پدران مهربان ما هستند ما را از خطرات عبور می دهند از لغزش های ما می گذرند و از خدای مهربان درخواست آمرزش می کنند، اعمال بر ما نظارت می کنند و کاستی آن را بر طرف نموده و سپس آن را در معرض پذیرش و قبول قرار می دهند.

(عَبْدُ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ عَلَيْكَ بِالْدُعَاءِ وَأَنْتَ سَاجِدٌ فَإِنْ أَقْرَبَ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ سَاجِدٌ... قَدْ فَعَلَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَدَعَا عَلَى قَوْمٍ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ وَفَعَلَهُ عَلَيٌّ بَعْدَهُ. (1))

عبدالله بن هلال گوید: به امام صادق علیه السلام از متلاشی شدن سرمایه ها و آن چه بر سرمان آمده شکوه بردم فرمود: بر تو باد به دعا در حال سجده پس همانا نزدیک ترین حال بنده به خدا در حالی است که او ساجد است عرض کردم: در نماز واجب هم می توانم دعا کنم و حاجتم را نام ببرم؟ و در ادامه فرمود. آری

رسول خدا صلی الله علیه و آله قطعاً چنین کرده است؛ او (در نماز برای نابودی دشمنان دین به صراحت دعا کرده و) گروهی را به نام و نشان خود و پدرانشان را نفرین کرد و علی علیه السلام (نیز) بعد از او، چنین کرده است.

ص: 26

1- دعا جان عبادت و بندگی است، و کسی که اهل دعا و سجده است نشاطی دارد که هیچ کس ندارد. لذا نمی توان اهل دعا را در قالب های روان شناسانه اهل دنیا طبقه بندی کرد، که آیا خوشبخت اند یا افسرده و ... که اینان دگران اند و آنان دگرند؛

2- بهترین حالت دعا در سجده است و با چشم پر از اشک چه بهتر، هم چون آبی روی آتش؛

3- از خوبی های روزگار ما برافراشتن پرچم مظلومیت و حقانیت به دست ملت ما و بصیرت دشمن شناسی است باید در هنگام عبادت و دعا به شیاطین جن و انس نفرین کنیم و مرگ آنان را بخواهیم. از این نکته که شهیدان ما اسوه های حقیقی ما در این میدان اند هیچ گاه غفلت نورزیم و از اینان جدا نشده و عقب نیفتیم.

بهشت زندگی بر مدار شکر

(قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ لَيَشْرَبُ الشَّرْبَةَ مِنَ الْمَاءِ فَيُوجِبُ اللَّهُ لَهُ بِهَا الْجَنَّةَ ثُمَّ قَالَ إِنَّهُ لَيَأْخُذُ الْإِنَاءَ فَيَصَدِّعُهُ عَلَى فِيهِ فَيَسْتَمِي ثُمَّ يَشْرَبُ فَيُنَحِّيهِ وَهُوَ يَشْتَهِيهِ فَيَحْمَدُ اللَّهَ ثُمَّ يَعُودُ فَيَشْرَبُ ثُمَّ يُنَحِّيهِ فَيَحْمَدُ اللَّهَ ثُمَّ يَعُودُ فَيَشْرَبُ ثُمَّ يُنَحِّيهِ فَيَحْمَدُ اللَّهَ فَيُوجِبُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهَا لَهُ الْجَنَّةَ.) (1)

امام صادق علیه السلام فرمود: همانا مردی از شما جرعه آبی می نوشد پس خدا او را به خاطر این کار سزاوار بهشت می نماید سپس فرمود: همانا او ظرف آب را می گیرد و بر دهان می گذارد و نام خدا را می برد سپس آب را می نوشد، پس آن را در حالی که هنوز اشتها دارد دور می کند و خدای را حمد می کند سپس تکرار می کند می نوشد و دور می کند پس حمد خدای را می کند سپس تکرار می کند می نوشد و دور می کند و خدای را حمد می کند پس خدا او را به خاطر این کار سزاوار بهشت می نماید

ص: 28

1- توجه به نعمت های بی شمار خدا و سپاس آن زندگی ما را بهشتی می کند؛

2- آن قدر خدای متعال به ما نعمت داده که فرصت فکر کردن به آن چه نداده نداریم (و البته اگر خوب دقت کنیم همه نعمت های لازم و مفید را به ما داده است و چیزی از ما دریغ نکرده است)؛

3- نوشیدن سه جرعه آب و نام و حمد خدای متان نوعی تمرین شکرگزاری است، زیرا انسان فراموش کار است؛ به همین دلیل، در یک آب خوردن ساده سه بار شکرگزاری به ما آموزش داده اند؛

4- نام بردن از سید مظلومان علیه السلام و در هنگام نوشیدن آب هم ضامن و واسطه عاقبت به خیری ماست. السلام عليك يا ابا عبدالله.

راه حفظ ثروت

(عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَصْبَحَ وَلَا يَذْكُرُ أَرْبَعَةَ أَشْيَاءَ أَخَافُ عَلَيْهِ زَوَالَ النُّعْمَةِ أُولَاهَا أَنْ يَقُولَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَرَفَنِي نَفْسَهُ وَ لَمْ يَتْرُكْنِي عَمِيَانِ الْقَلْبِ وَ الثَّانِي يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ الثَّلَاثُ يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ رِزْقِي فِي يَدَيْهِ وَ لَمْ يَجْعَلْ رِزْقِي فِي أَيْدِي النَّاسِ وَ الرَّابِعُ يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَتَرَ ذُنُوبِي وَ عُيُوبِي وَ لَمْ يَقْضِحْنِي بَيْنَ النَّاسِ.) (1)

از امیر مؤمنان علیه السلام روایت شده است فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که صبح بشود و چهار چیز را یاد نکند بر از بین رفتن نعمت بر او بیم دارم.

اول؛ بگوید: خدای را سپاس که خود را به من شناساند و مرا کور دل رها نکرد

دوم؛ بگوید: خدای را سپاس که مرا از امت محمد صلی الله علیه و آله قرار داد.

سوم؛ بگوید: خدای را سپاس که روزی مرا در دست خودش قرار داد و در دست مردم قرار نداد

چهارم؛ بگوید: خدای را سپاس که گناهان و عیوب مرا پوشاند و مرا بین مردم رسوا نساخت.

ص: 30

- 1- دارایی های ما بسیار ارزشمند است، ولی رایگان در اختیار ما قرار داده شده است مواظب باشیم به خاطر غفلت از دستمان نرود؛
- 2- خدا شناسی برتری امت پیامبر صلی الله علیه و آله که ما بحمد الله از آن هاییم، عزت نفس، و آبرومندی گوهر هایی پر قیمت است که ما باید شاکر آن باشیم؛
- 3- در زندگی روز مره معرفت و قدردانی از نعمت هاست که به انسان شخصیت و به زندگی جهت می دهد؛
- 4- بدترین کیفر کفران نعمت به سادگی از کف دادن آن است و حسرت و افسوس آن را بر نمی گرداند انسان سگه طلایی را به گمان این که ریگی است دور می اندازد اما فریاد از آن لحظه ای که می فهمد چه گوهری را با دست خود دور انداخته است؛
- 5- باید قدر نعمت های خدا را بشناسیم تا به همان اندازه و بیش از آن قیمت پیدا کنیم.

عزت سحر خیزی

(وَرُوِيَ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ حُنَيْسٍ أَنَّهُ قَالَ رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ تَأَخَّرْتُ عَنِ السُّوقِ فَقَالَ لِي اغْدُ إِلَيَّ عِرْكَ.) (1)

معلی بن خنیس می گوید: امام صادق علیه السلام مرا دیدند که هنوز به بازار نرفته بودم، فرمودند: به سوی عزت خود صبح زود برو

ص: 32

- 1- بازار مسلمین در صبح زود و بعد از طلوع آفتاب، نشانگر اوضاع اقتصادی آن هاست اگر صبح بازار نشاط داشته باشد و همه در تکاپو و تلاش ارزنده باشند این جامعه، عزیز است و قابل احترام و گرنه توقع عزت و استقلال و مناعت طبع توقع زیاد و دور از دسترس است؛
- 2- شب، وقت استراحت و تجدید قوا و عبادت و رسیدگی به خانواده است و صبح وقت کار و کسب جابجا شدن این رویه به آرامش جامعه و ارزش های آن صدمه می زند، چیزی که که سوگمنده رایج شده است؛
- 3- عزت و شرافت به کار است و درآمد هایی که ناشی از کار و تلاش باشد مایه مباهات است نه چشم و هم چشمی با پول های باد آورده و بی ریشه. باید فرهنگ جامعه را به تکریم عزت آفرینان واقعی سوق دهیم.

حرکت از خانه با دعا

(عنه أبي جعفر عليه السلام مَنْ قَالَ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ ... كَفَّاهُ اللَّهُ مَا أَهَمَّهُ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاةٍ وَ آخِرَتِهِ.) (1)

ابو حمزه ثمالی می گوید: برای دیدار با امام باقر علیه السلام کسب اجازه کردم وقتی حضرتش را در حال بیرون آمدن از خانه دیدم متوجه شدم لبانشان حرکت می کند و چیزی می خوانند عرض کردم: در حال بیرون آمدن لبانتان حرکت می کرد؟ فرمودند: آری ای ثمالی، هر که در حالی که از خانه اش بیرون می آید بگوید:

(بِسْمِ اللَّهِ حَسْبِيَ اللَّهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ أُمُورِي كُلِّهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الآخِرَةِ؛)

به نام خدا، بس است خدا برایم، بر خدا توکل کردم، بار الها از تو بهترین (انتخاب) را در کار هایم در تمام آن، درخواست می کنم و به تو از خواری دنیا و عذاب آخرت پناه می برم.

آن گاه خدا هر چه دغدغه اوست از امر دنیا و آخرت را کفایت می کند.

ص: 34

1- همه کار های ما باید به گونه ای توجه به خدای تعالی و حرکت در مسیر رضای او را به همراه داشته باشد اگر چنین شد عافیت و برکت و خیرات هم نازل می شود و اگر ناملایماتی هم پیش آید قابل تحمّل است چون با تقدیر الهی هماهنگ شده است؛ تقدیر گاهی سخت است ولی خواری نیست رنج است ولی مایه ثواب و اجر اخروی است؛

2- بسیاری از گره های زندگی ناشی از غفلت است با یادآوری این که همه کار ها به دست خداست و از او باید کمک خواست و او به مصالح ما آگاه است بسیاری از این گره ها یا زده نمی شود یا به آسانی گشوده می گردد.

تن درست پروری

(أَبِي عَمْرٍو وَالشَّيْبَانِي قَالَ رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِيَدِهِ مَسْحَاةً وَعَلَيْهِ إِزَارٌ غَلِيظٌ يَعْمَلُ فِي حَائِطٍ لَهُ وَالْعَرَقُ يَنْصَابُ عَنْ ظَهْرِهِ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَعْطَيْتَنِي أَكْمِكَ فَقَالَ لِي إِنِّي أَحِبُّ أَنْ يَتَأَذَى الرَّجُلُ بِحَرِّ الشَّمْسِ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ.) (1)

ابی عمرو گوید: امام صادق علیه السلام را با بیلی در دست و لباسی خشن در تن دیدم که مشغول کار کردن در باغش بود و عرق از سر و رویش جاری بود. عرض کردم: جانم به قربانت بیل را به من بده تا به جای شما کار کنم.

فرمود: همانا من دوست دارم مرد از حرارت آفتاب در جستجوی روزی رنج ببیند.

ص: 36

- 1- بعضی از سختی های زندگی دوست داشتی است و انسان نباید از آن فراری باشد؛
- 2- کمک به دیگران خوب است ولی باید دانست کجا کمک مفید است و کجا بی فایده؛
- 3- به دست آوردن روزی بخشی از مردانگی و شخصیت انسان است و انسان باید به آن مباحثات کند؛
- 4- مؤمن باید به همه ابعاد زندگی توجه کند و خود را فقط در یک بخش محدود نکند؛
- 5- امروزه هزینه های زیادی برای سلامتی و پرورش جسم و روح می شود؛ از اقسام ورزش ها و انواع وسائل ولی هیچ یک به حقیقت کار کردن سلامتی ایجاد نمی کند همین طور هیچ چیزی مثل فاصله گرفتن از کار به سلامتی آسیب نمی زند.

(فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اشْتَرَى عَيْرًا أَتَتْ مِنَ الشَّامِ، فَاسْتَنْفَضَلَ فِيهَا مَا قَصَى دِينَهُ، وَقَسَمَ فِي قَرَابَتِهِ؟ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رِجَالٌ لَا تُلْهِمُهُمْ تِجَارَةً وَلَا يَبِيعُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ... لَمْ يَكُونُوا يَدْعُونَ الصَّلَاةَ فِي مِيقَاتِهَا وَهُوَ أَفْضَلُ مِمَّنْ حَضَرَ الصَّلَاةَ وَلَوْ يَتَّجِرُ. (1)

اسباط بن سالم گوید: به نزد امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم از شخصی سراغ گرفتند و پرسیدند: چه می کند؟ عرض کردم: خوب است ولی تجارت را رها کرده است امام صادق علیه السلام سه بار فرمود: کار شیطان است آیا نمی داند که رسول خدا صلی الله علیه و آله کالاهای قافله ای تجاری که از شام آمده بود را خرید و با سود حاصل از فروش آن کالاها بدهی خود را پرداخت و (به علاوه) بخشی از آن را در اقوام خود پخش کردند.

خدای عزوجل می فرماید: (رِجَالٌ لَا تُلْهِمُهُمْ تِجَارَةً وَلَا يَبِيعُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ) تا آخر آیه؛ مردانی که تجارت و بیع آن ها را از یاد خدا غافل نمی کند.

آن ها که می گویند: همانا این قوم تجارت نکردند (دست از کار و کسب برداشته اند) دروغ گفتند (و این سخن اشتباه است) بلکه آن ها نماز در وقتش را ترک نکردند و او برتر از کسی است که به نماز حاضر شود و تجارت نکند

ص: 38

1- بسیاری از کارهای خیر به وسیله درآمد حاصل از کار حلال میسر می شود؛

2- تعطیلی کار و کسب، حتی از کسی که احتیاج به درآمد ندارد، پسندیده و قابل قبول نیست؛

3- حضور مؤمنان در بازار برکات زیادی دارد.

4- کسی که به دنبال درآمد با برکت است روش کسبش هم زیباست و در وقت نماز کار را تعطیل می کند و بعد به کار بر می گردد و این زیبایی و ارزش کار را دوچندان می کند.

ثروت ستودنی

(عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى تَقْوَى اللَّهِ الْغِنَى.) (1)

امام صادق علیه السلام از پدرانشان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: ثروت، خوب یاوری بر تقوای الهی است.

ص: 40

1- اگر انسان دقت کند می تواند بهشت را در زندگی روز مره برپا کند. به دنبال درآمد باشد اما هدفی بلند را در نظر بگیرد.

کسی که می خواهد مسجدی بسازد از زمانی که در بازار مشغول خرید و فروش به نیت جمع پول برای ساخت مسجد است تا آن لحظه که آجر های مسجد روی هم چیده می شود و تا آن زمانی که در آن مسجد نماز می خواند گویا در همه این مدت در مسجد است.

کسی که می خواهد با پول پاک به حج و زیارت برود هر پولی را که با دقت به دست می آورد و آن را کنار می گذارد بخشی از حج و زیارت اوست؛

2- باید با این دقت زندگی سامان یابد، هر چیز در جای خود قرار گیرد مؤمن از افراط و تفریط می پرهیزد؛ نه از عبادت غافل شود، نه از تأمین هزینه زندگی، نه از رسیدگی به نیازمندان؛

3- برخی پدر و مادر خود را در غصه هایشان رها می کنند و به دنبال خوشحال کردن بیگانگان بر می آیند نیز این حال و روز کسانی است که واجبات را رها می کنند و به مسائل غیر واجب اهمیت می دهند این مشکل شدید تر می شود آن گاه که عبرت های روزگار را در نمی یابند (چه سرمایه هایی که بی جا مصرف شد و چه سرمایه هایی که بی ثمر رها شد.)

پذیرش تقدیر بهترین تدبیر

(عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ يَا ابْنَ آدَمَ أَطِيعْنِي فِيمَا أَمَرْتُكَ وَلَا تَعْلَمْنِي مَا يُصْلِحُكَ. (1))

امام صادق علیه السلام از پدرانشان از پیامبر خدا صلی الله علیه و اله نقل کردند: خدای جل جلاله می فرماید: ای آدمی زاده! در آن چه به تو فرمان داده ام مرا اطاعت کن و به من مصلحتت را یاد نده.

ص: 42

- 1- عمل دقیق به دستورات دین، ضامن ثبات در زندگی است. عمل به دستور خدای متعال در حلال و حرام زندگی، هر چند ناخوشایند باشد، موجب سرفرازی و آبرومندی خواهد بود؛
- 2- بعضی در زندگی متحیرند و مرتب از شاخه ای به شاخه ای می پرند، گویا نمی دانند تدبیر امورشان به دست خدای حکیم است و با این تغییر های پی در پی چیزی عوض نمی شود؛
- 3- بعضی در دعا ها و آرزو ها چنین اند و خوشبختی خود را در یک گزینه می دانند و به طور لجاجت آمیزی آن را پیگیری می کنند؛
- 4- انسان باید با به کارگیری عقل و علم و مشورت و تجربه به ثبات در زندگی بیندیشد.

(فَقَالَ إِسْحَاقُ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَا يَقُولُ: مَنْ اسْتَقَلَّ قَلِيلَ الرِّزْقِ حُرِمَ الكَثِيرِ) (1)

حسین جمال می گوید؛ اسحاق بن عمار صراف را دیدم که کیسه پول ها را گره زده بود ولی یک نفر آمده و دیناری آورده بود که خرد کند و چند درهم بگیرد اسحاق گره کیسه را باز کرد و چند درهم به او داد با خود گفتم مگر یک دینار چقدر سود دارد که وقت خود را برای آن می گیرد همین را به او گفتم در جوابم گفت؛ من این کار را به خاطر سود یک دینار خرد کردن نکردم بلکه از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: کسی که روزی محدود را کم به حساب بیاورد از روزی زیاد محروم می گردد.

ص: 44

1- کم نیستند انسان هایی که کار های ارزشمند را با ابزار های مادی می سنجند و آن را بی ارزش می دانند؛

2- مهم ترین وظیفه صاحبان حرفه کارگشایی است نباید این وظیفه خطیر را با رفتار غیر حرفه ای فراموش کنند در نتیجه به بازار و اجتماع صدمه های جبران ناپذیر وارد شود؛

3- روزی از خدای مَنان است قناعت و مناعت در بدست آوردن روزی و خرج کردن آن، هر دو در هر دو، زیباست؛

4- با رفتار درست باید از متفرق کردن یا انباشتن بی جای سرمایه ها و ما یحتاج مردم به صورت خرد و کلان جلوگیری کرد

ص: 45

مؤمن در اقتصاد هم باهوش است

(أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَا لِلَّهِ مِنَ الرِّضَا أَنْ أُغْبِنَ فِي مَالِي). (1)

ابوحنیفه یک روز به امام صادق علیه السلام عرض کرد: دیروز در عرفات برای مردم باورکردنی نبود که شما درباره قیمت شتر خود سخت گیری می کردی!

امام صادق علیه السلام به او فرمودند: خدا راضی نیست که من در مالم مغبون شوم.

ابوحنیفه عرض کرد: نه به خدا، خدا راضی نیست نه کم، نه زیاد. چیزی (از نقد و اعتراض) برای شما نمی آوریم مگر این که راه برون رفت و جوابی مناسب به ما می دهی.

ص: 46

1- مؤمن و در رأس مؤمنان امام آن‌ها، متواضع است و در امور زندگی و در بازار و داد و ستد حضور دارد؛

2- برای کارهای ساده هم مؤمن دلیل خدا پسندانه و صحیح دارد؛

3- عده‌ای نادان کارهای مؤمنان را مثل رفتارهای پست خود معنا می‌کنند؛

4- کسی که در بازار بسیار باهوش است اما شبانه به در خانه فقرا غذا می‌برد و خود زاهدانه زندگی می‌کند نشان می‌دهد که می‌توان و باید در بازار آخرت هم باهوش و فعال بود؛

5- نباید ما منفعت طلبی کودکانه خود را به بزرگان سرایت دهیم و تواضع آنان ما را از عظمت روح آن‌ها غافل کند. بلکه به عکس ما هم باید به اهداف و نیات خود عمق ببخشیم.

عزت سرمایه بی پایان مؤمن

(عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى بْنِ أَعْيَنَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ طَلَبُ الْحَوَائِجِ إِلَى النَّاسِ اسْتِثْلَابٌ لِلْعِزِّ وَ مَذْهَبَةٌ لِلْحَيَاءِ وَ الْبَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ عِزٌّ لِلْمُؤْمِنِ فِي دِينِهِ وَ الطَّمَعُ هُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ.) (1)

عبد الاعلی می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: درخواست نیازها را به سوی مردم بردن لباس عزت از تن درآورده و حیا را از انسان می برد و چشم طمع نداشتن به دست مردم عزت مؤمن در دین اوست، و طمع کردن (برای راحتی نسیه) بیچارگی الان (و بدبختی نقد) است.

ص: 48

1- عزت گران مایه ترین سرمایه ایمان است، عادت به حاجت خواستن از این و آن از کف دادن سرمایه است مردمی عمر خود را صرف می کنند که عزتی نزد مردمان بیابند آن گاه کسی این سرمایه خدادادی را بدون فکر حراج کند! احساس حقارتی که شاه قاجار در برابر حاجی سبزواری که بابی توجّهی به ناصر الدین شاه نان جو و دوغ می خورد با تحقیر های دیگر قابل مقایسه نبود؛

2- آن که به این صفت عادت کرده حتّی اگر در هر دو دست او باشد باز هم نگاهش به سیب در دست دیگریست. عزّت مؤمن به فرو انداختن چشم از دارایی دیگران است زیرا می گوید اولاً خودم دارایی زیادی دارم ثانیاً این دارایی از سرمایه بندگی است. هر چه بخواهم در اوج عزّت با این سرمایه به دست می آورم، با دعا، با عبادت و کار

نماز با جماعت

(عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ صَلَّى الْغَدَاةَ وَالْعِشَاءَ الْآخِرَةَ فِي جَمَاعَةٍ فَهُوَ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ.) (1)

امام صادق علیه السلام از پدرانش از امیر مؤمنان علیه السلام نقل کرده اند، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که نماز صبح و عشا را به جماعت بخواند پس او در پناه عهد من است

ص: 50

- 1- اهمیت نماز جماعت و عنایت خدا به نمازگزاران به خصوص نماز صبح که کمتر مورد استقبال است مورد سفارش اولیاء دین است؛
- 2- گاهی اوقات ما از تأثیر و برکات عادات و عبادات خوب غافلیم و به دنبال کارهای سخت می‌رویم چه بسیار از دعاها و خواسته‌های ما در همین مساجد و حضور در نماز جماعت‌ها برآورده و مشکلات برطرف شده است و ما دقت نداریم؛
- 3- حضور در مسجد و جماعت مؤمنین باعث صفا و رونق زندگی‌ها نیز هست؛
- 4- اگر به زندان‌ها و دادگاه‌ها و آمار آن نگاه کنیم روشن می‌شود، کمتر اتفاق افتاده که اهل مسجد و جماعت به زندان بروند و زندانی‌ها کمتر اهل مسجد و جماعت‌اند؛
- 5- البته چالش‌ها و مشکلاتی هم برای اهل مسجد هست که طبیعت زندگی این است و باید برای آن راه حل ارائه داد.

سفره داری و یاد آوری

(عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَاءُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَكَلَ... يَتْلُو هَذِهِ الْآيَةَ فَلَا اقْتِحَمَ الْعَقَبَةَ ثُمَّ يَقُولُ عَلَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّهُ لَيْسَ كُلُّ إِنْسَانٍ يَقْدِرُ عَلَى عِتْقِ رَقَبَةٍ فَجَعَلَ لَهُمُ السَّبِيلَ إِلَى الْجَنَّةِ.) (1)

معمر گوید: امام رضا علیه السلام هر گاه غذا می خوردند یک سینی می آوردند و از پاکیزه ترین غذایی که سر سفره آورده شده بود از هر چیزی برمی داشتند و داخل سینی می گذاردند و دستور می دادند برای مساکین می فرستادند. سپس این آیه را تلاوت می کردند: (فَلَا اقْتِحَمَ الْعَقَبَةَ)؛ از گردنه عبور نکرد و (بنده ای را آزاد نکرد). سپس فرمودند: خدای عزوجل می دانست که هر انسانی نمی تواند بنده آزاد کند پس به سوی بهشت برای آنان راه (ممکن و آسان مثل غذا دادن) باز کرد.

ص: 52

1- در سفره داری ها باید گرسنگان را به خاطر داشت و از همان غذای گرمی که خود ما می خوریم ببخشیم و به پرداخت پول و ... اکتفا نکنیم

2- خدای متعال راه نجات از گرفتاری های دنیا و آخرت را برای همه باز کرده است و کسی را به خاطر کمی توانمندی ها محروم نکرده است. هر کسی باید به سهم خود احساس تکلیف کند؛

3- انسان مؤمن سعی کند با گفتار نیکو حکمت کار خود را برای دیگران بیان کند تا آن ها هم تشویق بشوند و چه زیبا است تلاوت قرآن در حالی که به آن آیه عمل می شود.

(مَسَمَع عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عِبَالُهُ مَا مِنْ رَجُلٍ يَجْمَعُ عِيَالَهُ وَيَضَعُ مَائِدَةً بَيْنَ يَدَيْهِ وَيَسَمِّي وَيُسْمُونَ فِي أَوَّلِ الطَّعَامِ وَيَحْمَدُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي آخِرِهِ فَتَرْتَفِعُ الْمَائِدَةُ حَتَّى يُغْفَرَ لَهُمْ) (1)

امام صادق علیه السلام فرمودند؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مردی نیست که اهل و عیال خود را جمع کند و سفره ای پهن کند و نام خدا را در اول غذا ببرد و آن ها هم نام ببرند و حمد خدای عزوجل را در آخر بجا آورند و سفره جمع شود مگر این که همه آمرزیده شوند.

ص: 54

1- زندگی ما آمیخته با توحید است و باید این حقیقت در جا های مناسب به ویژه سر سفره ابراز شود؛

2- از زیبایی های توحید رازقیت خدای متعال است که همواره در زندگی ما ملموس است و چه زیبا برای ما سفره های متنوع می چیند؛

3- توجه به الطاف خدا باعث پاکی روح و آمرزش ما می شود؛

4- فرزندان ما در کلاس زندگی می توانند بهترین شاگردان توحید باشند. اگر ما کمی توجه بدهیم از دقت در امور ساده برای کار های بزرگ درس ها خواهند آموخت.

آداب سفره غذای حلال و طیب

(عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَنْ أَكَلَ طَعَامًا لَمْ يُدْعَ إِلَيْهِ فَإِنَّمَا أَكَلَ قِطْعَةً مِنَ النَّارِ) (1)

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر که از غذایی که به آن دعوت نشده بخورد پس همانا تکه ای از آتش خورده است.

ص: 56

1- در مهمانی‌ها و حضور در سفره‌ها مسائلی باید مورد دقت باشد. حفظ آبروی صاحب سفره زیاده روی نکردن در استفاده، تعدی نکردن به حقوق سایر مهمان‌ها همراه نبردن کسانی که دعوت نشده‌اند زیبا غذا خوردن و اسراف و تبذیر نکردن احترام به سفره کمک و رعایت ادب در جمع کردن سفره و ...؛

2- خوردن غذای حلال ضامن سعادت و عاقبت به خیری است؛

3- باید دقت کرد غذا حلال باشد، پاک باشد از مال حلال تهیه شده باشد حقوق مردم اعم از شخصی و بیت المال و حقوق الهی مثل خمس و زکات در آن رعایت شده باشد؛

4- نقش غذای حلال در توفیق بر کارهای خیر و عبادت و تربیت واضح است و انسان به روشنی آن را لمس می‌کند.

(عَنْ حَنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِأَنَّ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ خَضِرَةٌ وَهِيَ تَحْنُ إِلَى أَشْكَالِهَا.) (1)

حنان می گوید: همراه امام صادق علیه السلام سر سفره نشسته بودم. حضرت دست به سمت سبزی بردند ولی من به جهت مریضی از خوردن سبزی خودداری کردم به من رو کرده فرمودند: ای حنان! مگر نمی دانی که سینی غذا بدون سبزی برای امیرمؤمنان آورده نمی شد؟ عرض کردم: از چه جهت؟ فرمودند: زیرا دل های مؤمنان خرم و سر سبز است و دل تمایل به مشابه خود پیدا می کند.

ص: 58

1- فرهنگ غذایی هر ملّتی حکایت از ارزش های فرهنگی آن ها دارد. ما که پیرو اسلام و اهل بیت علیهم السلام هستیم باید توجه کنیم فرهنگ غذایی ما علاوه بر این که ضامن سلامتی بدن ماست نشانه ارزش های برتر دینی ما می باشد و فاصله گرفتن از آن آسیب های جدی به همراه دارد؛

2- این روایت یک یادآوری برای توجه به مجموعه دستورات دین است و هشدار ضمنی درباره اثر پذیری از فرهنگ بیگانه است؛

3- بسیاری از بیماری ها با رعایت روش غذایی صحیح ، مثل بودن سبزی در سفره و برنامه غذایی گریبان گیر ما نمی شود و چه بسا بیماری هایی که با رعایت این سفارش ها درمان شود؛

4- بسیاری از پرهیز های جسمی در روح و روان ما هم اثر قطعی و مثبت می گذارد؛

5- نکته مهم این است که رعایت مجموعه دستورات مهم تر از عمل به یک روش تقلیدی و ناقص است عمل به مجموعه دستورات غذایی دین شامل غذای طیب و طاهر خوردن روش درست غذا خوردن، اسراف نکردن آداب سفره را رعایت کردن نتیجه اش سلامت فردی، خانوادگی و اجتماعی است.

درمان با غذای پاک

(عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَهُ مَا لَكَ وَ لَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَذُنَكَ عَلَيَّ مَا هُوَ أَنْفَعُ لَكَ مِنْ هَذَا عَلَيْكَ بِالِدُعَاءِ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ). (1)

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: جانم به فدایت مریضی دارم و جز نیبذ (شراب خرما) درمانی سراغ ندارم. امام علیه السلام سه بار فرمود: تو را چه و آن چه خدای عزوجل ورسولش آن را حرام کرده اند

بر توباد به «مریس»، که شب کشمش و... را در آب می خیسانی و صبح می خوری و.... عرض کرد: این موجب نفخ است حضرت فرمود: پس تو را به چیز مفیدتری راهنمایی کنم بر توباد به دعا پس همانا آن شفای از هر دردی است به امام عرض کردم: پس کم و زیاد شراب حرام است. فرمود: بله کم و زیاد آن حرام است.

ص: 60

1- نباید انسان به اندک بهانه ای خود را مبتلا به حرام کند؛

2- برای درمان برخی از بیماری ها انسان فرصت دارد تحقیق کند روش درست را بیابد برای هر دردی درمان مجاز و مناسب و برای هر مشکل راه حلّ خدا پسندانه وجود دارد؛ بنابراین نباید عجله کرد؛

3- روش غذایی صحیح، هر چند مقداری وقت گیر باشد و یا زحمت مختصری بطلبد، هم برای پیشگیری و هم برای درمان از بهترین پیشنهاد ها برای سلامتی است انسان برای غذای مناسب باید برنامه ریزی کند؛

4- اگر فتنه شیطان پیش آمد و بهانه ای برای ارتکاب حرام پیش آمد مؤمن باید دست به دعا شود و از خدا رفع مشکل را خواستار شود و به دست خود در مقابل شیطان خود را خلع سلاح نکند که همانا خدای مهربان مجیب است و رفع کننده مشکل.

دور نریختن حتی یک کنجد

(عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَا عَبْدَ اللَّهِ، هَذَا رِزْقُكَ، فَلَا تَدَعُهُ، أَمَا إِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ) (1)

راوی می گوید: نزد امام صادق علیه السلام سر سفره بودم، دیدم خورده های غذا مثل کنجد و ... که از سفره بیرون می افتد را جستجو می کند (و می خورد). عرض کردم: مثل این را هم جستجو می کنید. فرمود: ای عبدالله! این روزی توست. آن را رها نکن! بدان که در آن شفا از هر دردی است.

ص: 62

این روایات ما را به تمرین شکرگزاری نعمت‌ها و آثار آن راهنمایی می‌کند. ممکن است نعمتی کوچک که باعث سلامتی ما از بیماری است مورد غفلت قرار گیرد و پیامد آن از دست رفتن سلامتی ما باشد امری که باید نعمت‌های بزرگ را هزینه کنیم تا نعمت برگردد که آن هم معلوم نیست.

1- اسراف یعنی زیاده‌روی و پرخوری و تبذیر؛ یعنی دور ریختن نعمت و از آفت‌های بزرگ است و دامن‌گیر جامعه امروز شده است و متأسفانه تبدیل به عادت گردیده و فقیر و غنی، کم یا زیاد به آن مبتلا هستند. تنها راه بازگشت به دستور و روش زندگی اولیای دین است؛

2- احترام به سفره و نعمت‌های کوچک و بزرگ ضامن ادامه نعمت و سلامتی جسم است؛

3- ارزش نعمت به شناخت حقیقت نعمت‌هاست، نه کم و زیاد آن و شناخت حقیقت نعمت به شناخت صاحب و خالق نعمت.

4- نعمت‌های گران‌قدر الهی آسان به دست ما می‌رسد را سبک‌شماریم؛

5- قدر دانی از نعمت‌ها احتیاج به تربیت و تمرین دارد. فرزندان ما روش برخورد با نعمت‌ها را از ما می‌آموزند. احترام به نعمت‌ها را در عمل به آن‌ها بیاموزیم.

(عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَال: إِنَّا الْمُؤْمِنِينَ لَيَسْكُنُونَ إِلَى الْمُؤْمِنِينَ كَمَا يَسْكُنُونَ الظَّمَانَ إِلَى الْمَاءِ الْبَارِدِ.) (1)

امام صادق عليه السلام فرمودند: همانا مؤمن با مؤمن آسایش می یابد همان گونه که تشنه کام با آب خنک.

ص: 64

1- حضور در جمع مؤمنان دواى درد هاى بسيارى است. هم چنان كه بسيارى از مشكلات در اثر ترك معاشرت و يا معاشرت نكردن با خوبان است؛

2- حضور در مساجد، جماعت ها و جاهاى كه وقتى انسان مؤمن حاضر نشود هم جاى خالى اش احساس مى شود و هم خود احساس گم كردگى دارد بسيار پسنديده است و به خودى خود ارزش محسوب مى شود؛

3- بعضى براى اين كه برخى آفات دامن گير معاشرت مى شود اصل معاشرت با مؤمنان را ترك مى كنند در حالى كه اين دامى شيطانى است. وقتى انسان از چيزى انتقاد مى كند براى جبران و برطرف كردن كاستى ها است نه اين كه اصل آن هم مورد اعتراض است.

(عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَهُ رَجُلٌ جُعِلْتُ فِدَاكَ رَجُلٌ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ لَزِمَ بَيْتَهُ وَلَمْ يَتَّعَرَفْ إِلَى أَحَدٍ مِنْ إِخْوَانِهِ قَالَ فَقَالَ كَيْفَ يَتَّقَهُ هَذَا فِي دِينِ). (1)

مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: جانم به فدایت! مردی (مذهب حق و) ولایت را پذیرفته و قبول دارد ولیکن از خانه بیرون نمی آید و با برادران دینی اش انس نمی گیرد. امام صادق علیه السلام فرمودند: پس چگونه مسائل دینش را می فهمد؟!

ص: 66

1- رفاقت فقط برای تفریح نیست، بلکه مدرسه است؛

2- هر مسلمانی هر چند علاقه به معاشرت با مردم نداشته باشد ولی لازم است برای دو چیز با دیگران رفت و آمد کند و دوستانی بیابد. یکی در مورد گذران زندگی و دیگری درباره مسائل دینی اش؛

3- یادگیری مسائل دینی شامل استوار کردن بنیان های عقیدتی و رفع نگرانی های روحی، یادگیری احکام و سنن و روش های پسندیده و فراگیری و تمرین اخلاق اسلامی است که معمولاً با رفت و آمد با دوستان خوب و مؤمن حاصل شده و به مرور تکمیل می گردد؛

4- علاوه بر موارد فوق خانواده و فرزندان در فضای دوستی های ارزشمند به بلوغ شخصیت دینی می رسند.

اخلاق خوب گویا همه چیز است

(عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمَلَتْ إِيمَانُهُ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمِهِ ذُنُوبًا لَمْ يَنْقُصْهُ ذَلِكَ قَالَ وَهُوَ الصِّدْقُ وَادَاءُ الْأَمَانَةِ وَالْحَيَاءُ وَحُسْنُ الْخُلُقِ.) (1)

امام صادق علیه السلام فرمود: چهار چیز است که اگر در کسی وجود داشته باشند ایمان او کامل است و هر چند از فرق سر تا کف پایش را گناهای فراگرفته باشد از آن نمی کاهد فرمود: و آن راستی و امانت داری و حیا و خوش اخلاقی است.

ص: 68

1- مؤمن در معاشرت ممکن است از دیگری بد اخلاقی ببیند اما هیچ گاه در عکس العمل نسبت به او بی حیایی نمی کند و در عمل او را به ندامت وا می دارد ممکن است دروغ بشنود ولی در مقابل آن خیانت نمی ورزد و با این کار دیگران را شیفته خود و ارزش های دین می کند این گونه است که در عمل دین در جامعه اجرا می شود و با هزینه کمتر اصلاح جامعه صورت می گیرد؛

2- وقتی دیگران ببینند بی حیایی و دروغ گویی خریدار ندارد به سمت خوبی ها سوق داده می شوند؛

3- ممکن است گفته شود نباید زشت کاران را جرئت داد و جری کرد، جواب این است که سخن درستی است و مجازات بدکاران جزیی از اخلاق و اجرای دستورات دین است ولی تکمیل آن به پشیمان کردن بدکاران با اصرار بر خوبی ها و پشیمان نشدن از خوب بودن است؛

4- از کوزه همان برون تراود که در اوست خوبی ها باید در جامعه نشان داده شود تا جامعه خوب بشود؛ نباید صبر کنیم تا شبی صبح شود و ببینیم همه مردم آن گونه که آرزو داریم به خوبی ها آراسته اند باید خودمان به وظیفه خوب بودن عمل کنیم و آن را در رفتار ترویج کنیم، این بهترین اقدام عملی در اصلاح جامعه است.

(كَأَنَّ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَلِيطٌ فِي الْجَاهِلِيَّةِ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَأَنْتَ فَجَزَاكَ اللَّهُ مِنْ خَلِيطٍ خَيْرًا فَإِنَّكَ لَمْ تَكُنْ تَرُدُّ رِبْحًا وَلَا تُمْسِكُ ضِرْسًا) (1)

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: برای پیامبر صلی الله علیه و آله شریکی در دوران جاهلیت بود، پس وقتی (به پیامبری) مبعوث شد شریکش او را ملاقات کرد پس به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: خدا تو را از شریک پاداش خیر دهد پس (در شراکت و معاشرت) همراهی می کردی و بگو مگو نمی کردی.

پس پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: و تو را نیز خدا از شریک پاداش خیر دهد. پس همانا تو سودی را رد نمی کردی و دندانی (یعنی مالی را به طمع سود بیشتر) را نگاه نمی داشتی

ص: 70

1- دوستی دیرینه چقدر ماندگار و مردمان بلند همت چقدر قدر دانستی اند؛

2- انسان باید در دوستانش صفات خوب آن ها را جستجو کند، هر چند صفتی بزرگ نباشد؛

3- خوبی، دوران جاهلیت و اسلام ندارد، انسان باید در هر اجتماعی هر چند نابخرد به مردانگی ها و جوانمردی ها آراسته باشد؛

4- با همکاران و همشینیان بیش از دیگران همراهی زینده است نه سکوت خسته کننده و نه پر حرفی آزار دهنده؛

5- در معامله انسان باید روزی را از خدای منان بداند نه از سود زیاد قناعت به سود کم و در اختیار گذاشتن متاع به آسانی موجب رواج بازار و رونق کسب و نشاط جمعی است. راحتی و رفاه را در عملکرد اخلاق مدار باید جستجو کرد.

امر به معروف حدود آن

(عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... فَلَوْ أَنَا إِذَا رَأَيْنَا شَيْئاً مِنَ الْبَاطِلِ مَعَ الْحَقِّ تَرَكْنَا لَهُ الْحَقَّ لَمْ نُقْضِ حَقَّ مُسْلِمٍ.) (1)

امام باقر علیه السلام در تشییع جنازه مردی از قریش حضور یافتند، زراره می گوید: من هم همراه ایشان بودم و عطا (که یکی از فقهای مدینه بود) نیز بود زنی شروع به فریاد زدن کرد عطا گفت: یا ساکت شو یا ما بر می گردیم؛ زن اعتنا نکرد پس عطا برگشت. به امام علیه السلام عرض کردم؛ عطا برگشت فرمود: چرا؟ گفتم: زنی شروع به فریاد زدن کرد عطا گفت: یا ساکت شو یا بر می گردیم، او هم اعتنا نکرد عطا برگشت.

آن حضرت فرمود: بیا برویم (و تشییع را ادامه دهیم) پس اگر ما وقتی چیز باطلی را همراه حق ببینیم و حق را رها کنیم حق مسلم را ادا نکرده ایم.

ص: 72

- 1- در این روایت به حق مسلمان و احترام مجالس مؤمنان اشاره شده است. انسان باید در معاشرت با مسلمانان و مجالس آنان انگیزه اش طلب پاداش الهی و فضیلت ایمانی باشد؛
- 2- اگر کسی گناهی مرتکب شود باید با نهی از منکر زبانی و عملی او را از گناه پشیمان کنیم نه این که او را منزوی و بیش از اندازه تنبیه و محروم کنیم؛
- 3- این روایت درس بزرگی برای برخی است که برای ترک کار خیر با اندک مشکلی به سرعت تصمیم می گیرند؛
- 4- بسیاری از میدان های حضور خوبان باعث تشویق دیگران به دین داری و خوبی می شود؛
- 5- البته اگر در رفت و آمد ها اثر منفی بیش از آثار مثبت بود تکلیف متفاوت است ولی این بهانه باز گذاشتن عرصه برای منحرفان نیست؛

آغاز امر به معروف از خانه

(عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَسْبُكَ أَنْ تَأْمُرَهُمْ بِمَا تَأْمُرُ بِهِ نَفْسَكَ وَتَنْهَاهُمْ عَمَّا تَنْهَى عَنْهُ نَفْسَكَ.) (1)

امام صادق علیه السلام فرمودند: وقتی این آیه نازل شد؛ ای کسانی که ایمان آورده اید خودتان و خانواده هایتان را از آتش مواظبت دهید مردی از مسلمانان شروع به گریه کرد و گفت من از خودم ناتوانم آن گاه برای خانواده ام مکلف شده ام؟!!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تا به او فرمودند: کافی است به همین اندازه که به خودت امر می کنی به آن ها امر کنی و به همان اندازه که خودت را نهی می کنی آن ها را هم نهی کنی.

ص: 74

- 1- مسئولیت های زندگی در عین حال که تعهد آور است ولی طاقت فرسا نیست؛
- 2- اگر به مسئولیت فردی خودمان دقت کنیم بخش زیادی از مسئولیت ما در خانواده انجام می شود؛
- 3- بیشترین نصیحت به خانواده و فرزندانمان باید عمل ما باشد؛
- 4- از تأثیر سخن خیرخواهانه به موقع و اهمیت آن نیز نباید غافل بود

درست گفتن و شنیدن

(عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الْوُقُوفُ عِنْدَ الشَّيْءِ خَيْرٌ مِنَ الْإِفْتِحَامِ فِي الْهَلَكَةِ وَ تَرَكُّ حَدِيثًا لَمْ تُرَوْهُ خَيْرٌ مِنْ رَوَائِكَ حَدِيثًا لَمْ تُحْصِهِ.)
(1)

امام باقر علیه السلام فرمودند: توقف در شبهه بهتر از رفتن در میدان هلاکت است دست برداشتن از حدیثی که برای تو روایت نشده است بهتر از نقل احادیث بی شمار است.

ص: 76

انسان به جهت روحیه انس و انسانیت اهل سخن و گفتگوست جذابیت سخن در تازه بودن سخنان است اخبار از پرکشش ترین گفتگوهاست اخبار آسمانی و روایات وارده نیز در جایگاهی برتر از جذاب ترین خبرهاست ولی باید توجه داشت:

1- همان گونه که دامن زدن به شایعات زشت است روایتی را بدون دلیل و از غیر راه صحیح شنیدن و پذیرفتن و عکس العمل نشان دادن ناپسند است؛

2- کلمات آسمانی اهل بیت علیهم السلام مثل دانه های مرواریداند؛ شاهوار، پیوسته و منسجم مطالب ناپسند را نباید با آن آمیخت؛

3- نمی توانیم از روی اصرار بی جا یا بی اطلاعی در موردی که اطلاع کافی نداریم آن را به دین نسبت دهیم؛

4- در اظهار نظر ها باید مواظب باشیم بی دلیل حق رد کردن یک روایت را هم نداریم.

معاشرت با بیگانگان

(عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ رَأَى يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا أَوْ مَجُوسِيًّا أَوْ أَحَدًا عَلَى غَيْرِ مِلَّةِ الْإِسْلَامِ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنِي عَلَيْكَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَبِعَلِيِّ إِمَامًا وَبِالْمُؤْمِنِينَ إِخْوَانًا وَبِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً لَمْ يَجْمَعْ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ فِي النَّارِ أَبَدًا.) (1)

امام صادق علیه السلام از پدرانشان علیهم السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کردند؛ فرمود: هر که یهودی یا نصرانی یا مجوسی یا یکی را بر غیر دین اسلام دید پس بگوید:

(الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنِي عَلَيْكَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَبِعَلِيِّ إِمَامًا وَبِالْمُؤْمِنِينَ إِخْوَانًا وَبِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً).

خدا را سپاس که مرا بر تو با اسلام به عنوان دین و قرآن به عنوان کتاب و محمد به عنوان پیامبر و علی به عنوان امام و مؤمنان به عنوان برادر و کعبه به عنوان قبله فضیلت و برتری عطا کرد.

خدا بین او و او در آتش جمع نمی گرداند.

ص: 78

- 1- در معاشرت ها هر چند در قالب های مجازی و ارتباطاتی باید توجه شود که آثار بد آن بر ما تأثیر نگذارد، به ویژه اگر طرف مقابل اشتباه و انحرافش در حد بی دینی و بی اهمیتی به دین باشد. چون خواه ناخواه از آثار بد معاشرت او در امان نیستیم؛
- 2- آثار بد بی دقتی در معاشرت با بیگانگان برای هر کسی ملموس است و قابل انکار نیست. بسیاری از شبهات در اثر همین رفت و آمد ها و تلویزیون ماهواره و اینترنت و ... است؛
- 3- خود کفار و فاسقان هم از این که ما به بدی های آن ها روی خوش نشان می دهیم تعجب می کنند و کاسه ای زیر نیم کاسه می بینند و در پندار خود ما را دور و یا سرگردان می شمارند؛
- 4- به ویژه درباره آن ها که احساس و وجدانشان تشنه است و تهی بودن فرهنگشان را لمس می کنند و به دنبال آب گوارا می گردند حیف است که ما خود باخته شویم فرهنگ غنی خود را قدر ندانیم و آب گوارای حقیقت را از آن ها دریغ کنیم. البته بگذریم از عده کمی که لجاجت و تعصب دارند؛
- 5- به هر صورت حداقل پادزهر در برابر این باد های زهر آگین شکر گزاری نعمت هایی است که خدای منان به واسطه دین به ما عطا فرموده است چه در برخورد مستقیم یا در صفحه تلویزیون و به هر گونه دیگر این شکر باعث یاری خدا و استقامت در برابر زمینه های انحراف می شود

برخورد با بدهکار

(عَنْ وَالدِ بْنِ صَبِيحٍ قَالَ شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَيْنًا لِي عَلَى أَنَسٍ فَقَالَ قَلِّ ...) (1)

ولید بن صبیح گوید به امام صادق علیه السلام از طلبی که از عده ای داشتم شکایت بردم، فرمود: بگو: (اللَّهُمَّ لِحَظَّةٍ مِنْ لِحَظَاتِكَ تَيْسَّرُ عَلَيَّ غُرْمَائِي بِهَا الْقَضَاءُ وَتَيْسَّرُ لِي بِهَا الْإِقْتِضَاءُ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ).

بار الها گوشه چشمی و نگاهی از نگاه های رحمت بیفکن که بر بدهکاران من پرداخت (دین) را آسان کنی و بر من دریافت را همانا تو بر هر کاری توانایی.

ص: 80

1- این دعایی است که اگر طلب کار با توجه بخواند ان شاء الله مشکلش حل و طلبش وصول می شود؛

2- دعا و توجه به خدای متعال سبب می شود که راه گشودن گره های زندگی به او الهام شود؛

یعنی فکر انسان رهنمون می شود که راهکار درست را بیابد و بدی را با بدی پاسخ ندهد؛

3- گاهی انسانی صاحب حقّ با رفتار خود حقّ خود را پایمال می کند و زمینه حلّ مشکل را از بین می برد لذا باید در برطرف کردن مشکلات با حفظ خونسردی و با استعانت از خدای متعال به فکر حلّ مشکل بیفتیم که هیچ گرهی ناگشودنی نیست به یاری خداوند متعال.

آبرو سپاری کارگشایی

(قَالَ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمَا إِنَّكَ أَنْ تُعِينَ أَخَاكَ الْمُسْلِمَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ طَوَافِ أُسْبُوعٍ) (1)

صفوان جمّال (شتردار) می گوید: نزد امام صادق علیه السلام نشستیم بودم مردی از اهل مکه وارد شد از گرانی و نایابی مرکب سواری شکایت کرد. امام علیه السلام به من فرمودند: برخیز برادرت را یاری کن! پس همراه او برخاستم و خدا (ی منان) مرکب را برای او فراهم کرد به جلسه برگشتم پس حضرت صادق علیه السلام فرمودند: درباره حاجت برادرت چه کردی؟ پس عرض کردم: خدا برآورد (رفتم و او را به مرکب رساندم) پدر و مادرم به فدایت پس فرمودند: آگاه باش اگر تو برادر مسلمانان را یاری کنی نزد من از هفت دور طواف دوست داشتنی تر است.

ص: 82

1- انسان مؤمن باید خودش پیش قدم برای کشف راه های کمک به مؤمنان باشد؛

2- گاهی که انسان می تواند واسطه حل مشکل شود، وساطت کند و تا حصول نتیجه مشکل را پیگیری کند؛

3- رسیدگی به امور مؤمنان در اولویت است اگر انسان فقط یک نفر را می تواند یاری کند کمک به مؤمن در اولویت است. بعضی کمک ها مثل صدقه است و ثواب حج و طواف و عبادات مهم ندارد. در حالی که کمک به مؤمن چند جهت دارد هم مشکل او حل شده است هم مانع او در امور دینی برطرف شده و با فراغ خاطر به وظایف دینی می رسد و هم محبوب نزد معصوم علیه السلام است

4- بخشی از سردی بازار شعایر دین ناشی از دین گریزی نیست بلکه موانعی پیش آمده است در نتیجه کمک به ازدواج و اشتغال امور مؤمنان پرچم های دین را هم برافراشته تر می کند.

برطرف کردن مشکلات مسلمین

(قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ رَدَّ عَنْ قَوْمٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَادِيَةً [مَاءٍ أَوْ نَارٍ أَوْ جِبْتٍ لَهُ الْجَنَّةُ].) (1)

از امام سجاده علیه السلام نقل شده است؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر که از گروهی از مسلمانان مثل طغیان آب یا آتش را برطرف کند برای او بهشت سزاوار است.

ص: 84

1- الکافی، دار الحدیث جلد 2، صفحه 164.

1- بی تفاوت نبودن نسبت به مشکلات در زندگی روزمره و تلاش در برطرف کردن آن و جلوگیری از رسیدن خطرات به دیگران ویژگی مؤمنان دردمند است؛

2- سازمان هایی که به رفع مشکلات مردم می پردازند ارزش والایی دارند و باید مؤمنان به قدر دانی از آن ها در مناسبت های تبلیغاتی اکتفا نکنند و در هنگام نماز ها و دعا ها آنها را در نظر بگیرند با هر روشی آنان را دلگرم کنند و نیز به آن ها کمک کنند، اما نباید به بهانه وجود سازمان های حمایتی در مسائل اجتماعی بی تفاوتی نشان داد.

3- دامنه کار خیر که همه به آن سفارش شده ایم بسیار وسیع جلوگیری از رسیدن ضرر به مؤمن نوعی سود رسانی و هدیه به اوست. چه زیباست اگر در زندگی اجتماعی به گونه ای رفتار کنیم که نه تنها کار ما باعث خسارت بر دیگری نگردد بلکه نیت ما خیرخواهانه و سود رسان به دیگران باشد؛

4- در همه مسائل اجتماعی سرمشق برای خوبی ها و خیرخواهی ها باشیم و از خوبی های دیگران هم سرمشق بگیریم و نیز در بی تفاوتی نسبت به دیگران از انسان های بی درد الگو نگیریم و از رفتار های غلط اجتماعی که کورکورانه گسترش پیدا می کند تا حد ممکن فاصله بگیریم و به آن دامن نزنیم؛

محبوب ترین انسان ها

(عَنْ ابْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْخَلْقُ عِيَالِي فَأَحَبُّهُمْ إِلَيَّ الْوَالِدَانِ وَالْوَالِدَاتُ وَالْأُمَّهَاتُ وَالْأُمَّهَاتُ فِي حَوَائِجِهِمْ.) (1)

امام صادق علیه السلام فرمودند: خدای عزوجل فرمود: آفریدگان عیال (تحت تکفل) من اند پس دوست داشتنی ترین آن ها با محبت ترین به آن ها و کوشا ترین ایشان در حاجت هایشان است.

ص: 86

- 1- ما همه روزی خوار سفره بی منت الهی هستیم ولی می توانیم در کنار این سفره به فکر پذیرایی از اهل سفره باشیم، مثل میهمانی که بیشتر تلاش می کند که غذا ها بیشتر و زود تر سر سفره بیاید میزبان به او و خواسته او بیشتر توجه می کند؛
- 2- از سفارش های قطعی برای زیاد شدن روزی رسیدگی به کار دیگران در امور در دسترس است؛
- 3- خیلی از کمک ها ابزار مالی هم نمی خواهد، فقط روحیه کارگشایی و وساطت در حل مشکلات باید در انسان تقویت بشود؛
- 4- به این منظور انسان با جا هایی که می تواند در آن ها منشأ خدمت به دیگران باشد رابطه برقرار کند و نیز سعی کند دوستانی از خود کوشا تر را سرمشق قرار دهد و شخص و کار و روش آن ها را در جامعه تبلیغ و تمجید کند؛
- 5- و البته از بهترین این کمک کاران کسانی اند که دستگیر در امور دینی و علمی هستند و حوایج شرعی مردم را با بهترین راهنمایی ها و مشاوره ها در طبقی از اخلاص برآورده می کنند.

توحید و نقش دیگران

مالک بن عطیه از ابی عبداللہ علیہ السلام لا نقل می کند:

(فی قوله: «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» قَالَ هُوَ قَوْلُ الرَّجُلِ لَوْ لَا فُلَانٌ لَهَلَكْتُ وَ لَوْ لَا فُلَانٌ لَأَصَبْتُ كَذَا وَ كَذَا وَ لَوْ لَا فُلَانٌ لَصَاعَ عِيَالِي أَلَا تَرَى أَنَّهُ قَدْ جَعَلَ شَرِيكًا فِي مُلْكِهِ يَرْزُقُهُ وَيُدْفَعُ عَنْهُ.» (1))

امام صادق علیہ السلام درباره آیه مبارکه «و اکثر آن ها به خدا ایمان نمی آورند مگر این که مشرک اند» فرمودند: این (شُرک) سخن مردی است که می گوید: اگر فلانی نبود نابود می شدم و اگر فلانی نبود به چنین و چنان می رسیدم و اگر فلانی نبود زن و بچه ام از بین می رفتند . آیا نمی بینی که شریکی در پادشاهی قرار می دهد که او را روزی می دهد و جلوی روزی او را می گیرد

مالک بن عطیه می گوید عرض کردم: پس اگر بگویند اگر نبود که خدا بر من به وسیله فلانی منت گذاشت نابود می شدم چطور است؟ حضرت فرمودند: بله این گونه (سخن گفتن) عیبی ندارد.

ص: 88

1- این گونه گفتگو در اجتماع رواج دارد و باید انسان مؤمن پیوسته به درستی و نادرستی این جملات حساس بشود و در تصحیح آن ها بکوشد؛

2- گاهی یک کلمه می تواند نشانگر اوج معرفت باشد و گاهی بر عکس نشانه بی معرفتی به سادگی نباید دو جمله را شبیه هم دانست و در بیان احساسات توجه به ابعاد سخن لازم است؛

3- این آیه شریفه و روایت تفسیر کننده آن به خوبی به حضور توحید و خداشناسی در متن زندگی توجه می دهد؛ و چه زیباست بلکه باید انسان در همه ضرر ها و نفع ها همواره متوجه خدای متعال باشد در پایان روز انسان محاسبه کند چقدر تقدیر های الهی دقیق و به هنگام است و برای فردای خود از تقدیر امروز الهی درس توحید بگیرد.

دعای عاقبت به خیری

(عَنْ أَبِي جَرِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ يُرَدُّهَا.)
(1)

امام کاظم علیہ السلام این جملہ را تکرار می کردند: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ).

بار الها همانا از تو راحتی هنگام مرگ و آمرزش هنگام محاسبه اعمال را می خواهم

ص: 90

1- عاقبت به خیری مهم ترین خواسته شخصی یک مؤمن است که باید آن را از خدای مهربان درخواست کند؛

2- مؤمن باید توجه کند آرزوی راحتی در دنیا نه شدنی است، نه معقول است و نه زینده و مثل معروف بی دردی عیب است نه حُسن؛

3- به یاد مرگ و زندگی اصلی بودن مسکن و ای بسا داروی درد های مؤمنان است نه این که مرگ بهانه فرار از مشکلات باشد بلکه بالاتر، مرگ لقای حیب و دیدار خوبان است که دوستان خدا با یاد مرگ خود را دلداری می دهند؛

4- یاد آخرین ایستگاه زندگی بهترین روحیه برای زندگی است. بلکه دنیا را به راستی آباد تر و شادمان تر می شادمان تر می کند؛ همه سختی های ازدواج برای داماد شیرین است چون پایانی رؤیایی دارد؛

5- درست نیست حقیقتی این چنین رسا و گویا را به خوش آمد عده ای متوهم خیال پرداز سودا کرد و از تفکر امیدوارانه درباره آن فرار کرد؛

6- مرگ ناگهانی و دستپاچه دست خالی بودن، ناقص ماندن آرزو ها همه و همه با این دعا و معرفت برآمده از آن جلوگیری می شود.

اللهم اجعل عواقب امورنا الی خیر بحق محمد و آله الطاهیرین.

دهه چهل دهه ای بود که گروهی می کوشیدند از مذهب علیه مذهب استفاده کنند آنان با القای افکار مسموم و التقاطی ذهن جامعه به خصوص نسل جوان را آشفته می ساختند و در انحراف آنان از مسیر فطری و الهی تلاش می کردند لذا در سال 1343 جمعی از علماء و دانشمندان حوزه علمیه قم برای ارشاد و بیداری امت اسلامی و مقابله با شبهات موسسه در راه حق را تأسیس کردند که در حال حاضر با دوره های آموزشی پاسخ گویی به شبهات و چاپ جزوات مورد نیاز همان رویه را دامه می دهد.

از دیگر تألیفات موسسه در راه حق»

عکس

□

عکس

□

عکس

□

عکس

□

عکس

□

عکس

□

ص: 93

از دیگر تألیفات موسسه در راه حق:

عکس

□

عکس

□

عکس

□

عکس

□

عکس

□

عکس

□

ص: 94

از دیگر تألیفات موسسه در راه حق:

عکس

□

عکس

□

ص: 95

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

